

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حفظ موضوعی قرآن کریم

۳۰۰ موضوع از آیات اعتقادی، فروع دین و اخلاقی

بردم به ضیج بی نشانت ای ماه

بسته ست خیل قلب من با برآه

عمر سیت تشش می دلم می گوید

یا فاطمه اشفی لنا عن الله

تقدیم به سرور زنان عالم و اسوه مؤمنان، شفیعه
روز جزا، حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)



حفظ موضوعی قرآن کریم

۳۰۰ موضوع از آیات اعتقادی، فروع دین و اخلاقی

ناشر: معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه

تهیه و تنظیم: مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت نورالثقلین

اشراف علمی: حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد حاج ابوالقاسم

انتخاب آیات و پژوهش: سید مهدی هاشمی، سید مصطفی حسینی،

علی قاسمی

ترجمه آیات: حجت الاسلام والمسلمین استاد حسین انصاریان

صفحه آرای: سید قاسم سیدیان

چاپ: اول / بهار ۱۳۹۲

شمارگان: ۱۰۰/۰۰۰ جلد

قیمت: ۱۱/۰۰۰ تومان

اهدای معاونت فرهنگی و اجتماعی
سازمان اوقاف و امور خیریه

سایت سازمان: www.awqaf.ir

سایت معاونت: www.mfso.ir

سایت مجتمع: www.mfpo.ir

آدرس: تهران، خیابان نوفل لوشاتو، سازمان اوقاف و امور خیریه

معاونت فرهنگی و اجتماعی

آدرس مجتمع: قم، خیابان صفائیه، کوچه ممتاز، کوی ۷، پلاک ۳۲

مجتمع فرهنگی پژوهشی معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه

تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۴۶۴۳۱، ۰۲۵-۳۷۷۳۷۱۳۱، نمابر: ۰۲۵-۳۷۷۳۷۱۳۱

بَلْ هُوَ آيَاتٌ يَبَيِّنُ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ

سازمان اوقاف و امور خیریه در راستای ترویج فرهنگ و معارف نورانی و اثربخش قرآن کریم، اقدام به برنامه ریزی وسیعی جهت انس هر چه بیشتر عموم مردم با کلام وحی نموده است.

یکی از برنامه های سازمان در آستان مقدس امامزادگان و بقاع متبرکه، طرح تربیت حافظان قرآن کریم می باشد که در اجابت به فرمان و تدبیر ولی امر مسلمین، حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مد ظله العالی) مبنی بر تربیت ده میلیون نفر حافظ صورت گرفته است؛ که حفظ موضوعی آیات یکی از راه های تحقق آن است.

این مجموعه منتخبی از آیات قرآن کریم و ترجمه آن در موضوعات اعتقادی، اجتماعی و اخلاقی است که امیدواریم با حفظ آن و به کار بردن دستورات آن در زندگی، گامی در جهت تحقق و استمرار حیات طیبه برداریم. ان شاء الله

در پایان بر خود لازم می دانیم از زحمات و تلاش خالصانه مؤسسه نورالثقلین قم، که ما را در انجام این مهم یاری نمودند تقدیر و تشکر نمائیم.

معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه

بخش اول: آیات اعتقادی

فصل اول: خداشناسی و توحید

تأکید بر شناخت دین صحیح

- ۱ الف) ستایش از تحقیق در کسب برترین اعتقاد
ب) نفی راه‌های باطل در اعتقادات
- ۲ ۱. نفی تقلید در اعتقادات
- ۳ ۲. نفی پیروی از گمان در اعتقادات

توحید و یگانگی خداوند

- الف) ادله و براهین توحید
- ۴ ۱. برهان تمنع
- ۵ ۲. هماهنگی اجزای آفرینش؛ دلیل یگانگی خالق

اسماء و صفات خدا

- ۶ الف) برخی اوصاف نیکوی خداوند
ب) مهم‌ترین اوصاف ذات
- ۷ ۱. حیات، علم و قدرت بی پایان (آیه الكرسي)
۲. علم
- ۸ آگاهی خدا از نیت درونی
- ۹ همراهی و احاطه همیشگی خداوند

- عالم محضر خدا
ج) مهم ترین اوصاف فعل
۱. رحمت عام
۲. رازقیت
۳. هدایت تشریعی
د) برخی صفات سلبی
۱. بی مانند بودن خداوند
۲. نفی رؤیت پروردگار
۳. نفی شریک، فرزند و یاور
فصل دوم: عدل الهی
نفی ظلم از ساحت پروردگار
عدل الهی و بلاها
الف) حتمی بودن امتحان
انواع امتحانات
ب) فلسفه بلاها
۱. بلا؛ امتحان بندگان
۲. جزای خود عمل
۳. تضرع و زاری در پیشگاه خداوند
۴. بالا بردن مقام مؤمنان
۵. جلوگیری از غرور و سرکشی بندگان

- ۲۵ حکمت روزی اندک برای مؤمنان
- ۲۶ ۶. خیر و مصلحت بندگان
- ۲۷ ۷. بروز توانایی و استعدادها
- ج) فلسفه آسایش کفار در دنیا
- ۲۸ ۱. بی ارزشی دنیا
- ۲۹ ۲. عذاب استدراجی
- ۳۰ ۳. مهلت، برای افزایش گناهان
- ۳۱ ۴. عدم قابلیت دنیا برای مجازات کامل
- ۳۲ عدم غفلت خداوند از اعمال ستمگران
- ۳۳ ۵. ثروت برای کفار؛ مایه عذاب در دنیا
- ۳۴ ۶. امتحان و آزمایش

فصل سوم: نبوت

ضرورت بعثت انبیاء

- ۳۵ بعثت انبیاء، اتمام حجت بر بندگان
- عصمت انبیاء
- ۳۶ هدایت انبیاء توسط خداوند
- وظیفه ما در برابر انبیاء
- ۳۷ ۱. ایمان و اطاعت
- ۳۸ ۲. پیشی نگرفتن بر انبیاء
- آثار پیروی از انبیاء

۱. زنده شدن دل‌ها ۳۹
۲. جلب محبت الهی ۴۰
- پیامبر خاتم حضرت محمد**
- بعثت پیامبر ، نعمت خدا بر بندگان ۴۱
- لزوم اطاعت پیامبر ۴۲
- تسلیم بودن در برابر سخن و فرمان پیامبر ۴۳
- پیروی مطلق از تمام اوامر و نواهی پیامبر ۴۴
- سزای آزار پیامبر ۴۵
- خاتمیت ۴۶
- دعوت جهانی ۴۷
- پیامبر اسلام ؛ رحمت بر همه جهانیان ۴۸
- عصمت پیامبر**
- عصمت پیامبر در رفتار و گفتار ۴۹
- استواری پیامبر بر صراط مستقیم ۵۰
- برخی صفات اخلاقی پیامبر**
۱. الگو بودن پیامبر برای همگان ۵۱
۲. اخلاق نیکوی پیامبر ۵۲
۳. شفقت نسبت به مؤمنان ۵۳
۴. نرم‌خویی و مهربانی با مردم ۵۴
۵. عدم درخواست اجر در برابر رسالت ۵۵

فصل چهارم: امامت

امامت

۵۶ الف) ضرورت عقلی پیروی از شایسته‌ترین فرد در هدایت بندگان

۵۷ ب) ادله نقلی بر ضرورت وجود امام
۱. آیه وجوب اطاعت از اولی الأمر

۵۸ ۲. وجود هدایت کننده برای همه زمان‌ها

۵۹ ۳. تعیین وصی توسط حضرت موسی برای مدت کوتاه

لزوم عصمت امام

۶۰ ۱. آیه اولی الأمر

۶۱ ۲. آیه تطهیر

۶۲ ۳. آیه ابتلاء

۶۳ ۴. آیه صادقین

فضایل اهل بیت علیهم‌السلام

۶۴ ۱. آیه مباهله

۶۵ ۲. اهل بیت علیهم‌السلام، شجره طیبه

۶۶ ۳. اهل بیت علیهم‌السلام، برترین مخلوقات

۶۷ ۴. پرسش از نعمت ولایت در قیامت

۶۸ ۵. مودت اهل بیت علیهم‌السلام، مزد رسالت پیامبر

۶۹ ۶. پذیرش توبه آدم به واسطه اهل بیت

۷۰. ۷. انفاق در هنگام سختی (آیه اطعام)
۷۱. ۸. آیه اهل الذکر
۷۲. ۹. اهل بیت علیهم السلام ؛ وسیله تقرب به خداوند
۷۳. ۱۰. توسل به پیامبر؛ شرط قبولی توبه
- فضایل اختصاصی هر یک از اهل بیت علیهم السلام
- الف) امیر مؤمنان علی علیه السلام
۷۴. ۱. آیه اکمال دین
۷۵. ۲. آیه ولایت
۷۶. ۳. آیه تبلیغ
۷۷. ۴. هادی امت
۷۸. ۵. آیه علم الکتاب
۷۹. ۶. آیه نجوا
۸۰. ۷. انفاق در نهان و آشکار
۸۱. ۸. ایثار در لیلۃ المبیت
۸۲. ب) حضرت زهرا علیها السلام
۸۳. ج) امام حسین علیه السلام
- د) امام زمان علیه السلام
۸۴. ۱. وراثت صالحان در زمین
۸۵. ۲. وعده حکومت مؤمنان در آخرالزمان
۸۶. ۳. حکومت جهانی مستضعفان

- ۸۷ ۴. باقی مانده خداوند
- فصل پنجم: معاد**
- الف) تأکید بر وقوع معاد**
- ۸۸ نفی هرگونه تردید نسبت به وقوع معاد
- ۸۹ پاسخ به منکران معاد
- ۹۰ **ب) اوصاف روز قیامت**
۱. فرار از بستگان نزدیک
- ۹۱ ۲. زلزله وحشتناک رستاخیز
- ۹۲ ۳. پیرشدن کودکان از شدت سختی روز قیامت
- ۹۳ ۴. از بین رفتن مقام های دنیوی و عزت مندی مؤمنان
- ۹۴ ۵. جدایی انسان و تمام وابستگی ها
- ۹۵ ۶. سودمند نبودن نسبت ها و افتخارات قبیله ای
- ۹۶ ۷. نفی به عهده گرفتن گناه دیگری
- ۹۷ ۸. حاکمیت مطلق خداوند در روز قیامت
- ۹۸ ۹. ناکارآمدی تمام سرمایه های دنیا برای رهایی از عذاب
- ۹۹ ۱۰. حساب رسی انسان از اعمال خویش
- ۱۰۰ ۱۱. شگفتی انسان از دقت محاسبه و تجسم اعمال
- ۱۰۱ ۱۲. مشاهده کوچک ترین اعمال نیک و بد
- ۱۰۲ ۱۳. دقت و عدالت در سنجش اعمال
- ج) شاهدان اعمال در روز قیامت**

۱. خداوند ۱۰۳

۲. پیامبر اسلام

گواه بودن پیامبر بر همگان ۱۰۴

گواه بودن پیامبر بر انبیای پیشین ۱۰۵

۳. پیامبر هر امت ۱۰۶

۴. مؤمنان حقیقی (امامان) ۱۰۷

۵. اعضای بدن ۱۰۸

شفاعت

الف) تحقق شفاعت به اذن پروردگار ۱۰۹

ب) شرط شفاعت کنندگان

۱. شهادت به حق ۱۱۰

۲. رضایت پروردگار از گفتار و عمل ایشان ۱۱۱

۳. وفاداری به عهد و پیمان با خداوند ۱۱۲

ج) شرط شفاعت شوندگان ۱۱۳

معاد جسمانی

شکل گیری دوباره سر انگشتان ۱۱۴

زنده کردن همان استخوان پوسیده ۱۱۵

بهشت و جهنم

برخورداری از مواهب فوق تصور بهشتیان ۱۱۶

عذاب دردناک جهنمیان ۱۱۷

بخش دوم: آیات فروع دین و احکام

نماز

۱۱۸ الف) وجوب نماز

۱۱۹ مداومت بر انجام نماز

ب) حکمت و فوائد نماز

۱۲۰ ۱. بهترین وسیله یاد خدا

۱۲۱ ۲. جلوگیری از ارتکاب منکرات

۱۲۲ روزه

۱۲۳ زکات

۱۲۴ خمس

جهاد

۱۲۵ اهمیت جهاد

۱۲۶ مقام جهادگران شهید

۱۲۷ حج

امر به معروف و نهی از منکر

۱۲۸ برتری مسلمانان به جهت امر به معروف و نهی از منکر

۱۲۹ عواقب ترک امر به معروف و نهی از منکر

۱۳۰ ترک نهی از منکر؛ عامل فساد امت‌های پیشین

۱۳۱ ضرورت تشکیل گروه‌های امر به معروف و نهی از منکر

۱۳۲ دعوت به تبلیغ عملی

تولّی

- ۱۳۳ الف) ولایت خداوند بر مؤمنان
 ۱۳۴ ب) ولایت پیامبر بر مؤمنان
 ۱۳۵ ج) ولایت اهل بیت بر مؤمنان
 ۱۳۶ د) ولایت مؤمنان نسبت به یکدیگر

تبرّی

- تأکید بر تبرّی از دشمنان
 ۱۳۷ نهی از دوستی با کافران
 ۱۳۸ مقدم داشتن ایمان بر همه روابط

فصل دوم: برخی احکام ازدواج و عفاف

- ۱۳۹ تأکید بر ازدواج و پرهیز از راه‌های نامشروع
 ۱۴۰ حرمت زنا

عفاف و حجاب

- ۱۴۱ وجوب حجاب و حکمت آن
 ۱۴۲ رعایت عفاف در نگاه به نامحرم
 ۱۴۳ علم خداوند به نگاه پنهانی به نامحرم
 ۱۴۴ رعایت عفاف در ارتباط با نامحرم
 ۱۴۵ رعایت عفاف در گفتار با نامحرم

بخش سوم: آیات اخلاقی

فصل اول: مباحث کلی

- خودسازی و تربیت نفس
- ۱۴۶ الف) عبادت؛ هدف خلقت
- ۱۴۷ ب) اهمیت تزکیه نفس
- ۱۴۸ محاسبه و مراقبه نفس
- ۱۴۹ عاقبت پیروی از هوای نفس
- ۱۵۰ پاداش دوری از هوای نفس
- ۱۵۱ تأثیر رحمت و فضل الهی در خودسازی
- ۱۵۲ ج) اهمیت ذکر و یاد خدا در خودسازی
- ۱۵۳ ذکر؛ موجب یاد خداوند از بندگان
- ۱۵۴ د) تأثیر نماز شب در خودسازی
- ۱۵۵ نماز شب؛ ویژگی برجسته پرهیزکاران
- تقوا
- ۱۵۶ الف) تقوا؛ ملاک برتری
- ب) آثار تقوا
- ۱۵۷ ۱. توانایی تشخیص حق از باطل
- ۱۵۸ ۲. راه‌گشایی در مشکلات
- ۱۵۹ ۳. آسانی کارها
- ۱۶۰ ۴. پوشاندن گناهان
- ۱۶۱ ۵. ورود به بهشت
- ۱۶۲ ۶. نزول برکات

ایمان

- ۱۶۳ نکوهش ایمان زبانی
- ۱۶۴ نتیجه ایمان؛ رهایی از عذاب جهنم
- ۱۶۵ ضرورت همراهی ایمان با عمل صالح
- (د) برخی صفات مؤمنان
- ۱۶۶ ۱. خشوع در نماز
- ۱۶۷ ۲. پرهیز از گفتار و کردار بیهوده
- ۱۶۸ ۳. پرداخت زکات
- ۱۶۹ ۴. نگهداری خود از شهوت های حرام
- ۱۷۰ ۵. پایبندی به امانت و عهد
- ۱۷۱ ۶. مداومت بر نماز
- ۱۷۲ ۷. خشوع به هنگام یاد خدا
- ۱۷۳ ۸. دارای کمالات اخلاقی
- ۱۷۴ ۹. برخورداری از محبوبیت
- ۱۷۵ ۱۰. محبت شدید به خداوند
- ۱۷۶ ۱۱. برخورداری از حمایت خداوند
- ۱۷۷ ۱۲. تواضع و فروتنی
- ۱۷۸ ۱۳. عبادت و شب زنده داری
- ۱۷۹ ۱۴. ترس از عذاب جهنم
- ۱۸۰ ۱۵. رعایت میانه روی در انفاق

۱۸۱. دوری از شرک، خونریزی، زنا
 ۱۸۲. پرهیز از شهادت باطل...
 ۱۸۳. پندپذیری از آیات الهی
 ۱۸۴. اهتمام به تقوامداری همسر و فرزند
 ۱۸۵. دوری از گناهان و گذشت به هنگام خشم
 ۱۸۶. دعا، نماز، مشورت گرایی...

فصل دوم: برخی فضایل و کمالات اخلاقی

۱۸۷. ۱. شکر نعمت‌های الهی
 ۱۸۸. ۲. اخلاص
 ۱۸۹. ۳. صبر
 ۱۹۰. ۴. توکل
 ۱۹۱. ۵. علم آموزی
 ۱۹۲. ۶. هجرت برای کسب دین
 ۱۹۳. ۷. همت و تلاش
 ۱۹۴. ۸. تعظیم شعائرالله
 ۱۹۵. ۹. توبه از گناهان
 ۱۹۶. ۱۰. عدالت محوری ...
 ۱۹۷. ۱۱. انفاق و صدقه
 ۱۹۸. ۱۲. قرض الحسنه
 ۱۹۹. پاداش قرض دادن

۱۳. نیکی به والدین ۲۰۰
۱۴. پیوند با خویشاوندان ۲۰۱
۱۵. پاسخ بدی با خوبی ۲۰۲
۱۶. احسان و نیکوکاری ۲۰۳
۱۷. یتیم نوازی ۲۰۴
۱۸. تواضع ۲۰۵
۱۹. عفو و گذشت ۲۰۶
۲۰. امانت‌داری ۲۰۷
۲۱. قضاوت عادلانه ۲۰۸
۲۲. ایثار و از خودگذشتگی ۲۰۹
۲۳. وفای به عهد ۲۱۰
۲۴. تعاون و همکاری ۲۱۱
۲۵. دعا ۲۱۲

نمونه دعا‌های قرآنی

۱. دعای طلب حسنه در دنیا و آخرت ۲۱۳
۲. دعای طلب مغفرت و عاقبت به خیری ۲۱۴
۳. دعای درخواست آسان گرفتن در حسابرسی ۲۱۵
۴. دعای درخواست صبر، استقامت و پیروزی در برابر دشمنان ۲۱۶
۵. دعای طلب رهایی از لغزش‌ها ۲۱۷
۶. دعای آمرزش گناهان و رهایی از آتش دوزخ ۲۱۸

۲۱۹. ۷. دعای اعتراف به گناه و طلب آمرزش
۲۲۰. ۸. دعای طلب صبر و عاقبت به خیری
۲۲۱. ۹. دعا برای هدایت خود و فرزندان
۲۲۲. ۱۰. دعا برای آمرزش همه مؤمنان
۲۲۳. ۱۱. دعا برای شروع و پایان نیک کارها
۲۲۴. ۱۲. دعا برای سعه صدر و تأثیر کلام
۲۲۵. ۱۳. دعا برای دوری از وسوسه‌های شیطان
۲۲۶. ۱۴. دعا برای طلب غفران و رحمت الهی
۲۲۷. ۱۵. دعای ملحق شدن به صالحان و طلب نیک‌نامی
۲۲۸. ۱۶. دعای اظهار نیاز به مصلحت و خیر
۲۲۹. ۱۷. دعا برای رفع کینه و عداوت نسبت به مؤمنان
۲۳۰. ۱۸. دعای درخواست ذریه صالح
۲۳۱. ۱۹. دعا برای هدایت همسر و فرزندان
۲۳۲. ۲۰. دعای دوری از عذاب جهنم
۲۳۳. ۲۱. دعای حضرت یونس در شکم ماهی

آداب زندگی

الف) آداب خانواده

۲۳۴. ۱. عیب‌پوشانی همسران نسبت به یکدیگر
۲۳۵. ۲. وظایف هر یک از همسران
۳. تقوا مداری در خانواده

- ۲۳۶ مسئولیت در برابر هدایت خانواده
- ۲۳۷ سفارش خانواده به نماز و شکیبایی بر آن
- ۲۳۸ ۴. خوش رفتاری با همسر
۵. توجه به تربیت و هدایت فرزندان
- ۲۳۹ موعظه و اندرز فرزند
- ۲۴۰ دعا برای هدایت فرزند
- ب) آداب دوستی**
- ۲۴۱ ۱. هم نشینی و دوستی با مؤمنان
- ۲۴۲ دوستی مؤمنان با یکدیگر
- ۲۴۳ پایداری دوستی مؤمنان در آخرت
- ۲۴۴ ۲. ترک دوستی با دنیا طلبان
- ۲۴۵ دوستی با ناهالان؛ موجب حسرت در آخرت
- ۲۴۶ ۳. ترک دوستی با نامحرم

فصل سوم: شناخت گناهان و رذایل اخلاقی

حب دنیا؛ سرچشمه گناهان

الف) ویژگی های دنیا

- ۲۴۷ ۱. ایجاد جلوه و تزیین برای مردم
- ۲۴۸ مراحل جلوه دنیا
- ۲۴۹ ۲. ناپایداری زینت های دنیوی
- ۲۵۰ ۳. بی ارزشی دنیا

- ۲۵۱ ب) نکوهش کثرت طلبی و دنیادوستی
آشنایی با برخی رذایل اخلاقی و گناهان
۱. دروغ
- ۲۵۲ دروغ؛ نشانه بی ایمانی
- ۲۵۳ ۲. غیبت
- ۲۵۴ ۳. مسخره کردن و تحقیر دیگران
- ۲۵۵ ۴. عیب جویی و طعنه به دیگران
- ۲۵۶ ۵. به کار بردن القاب زشت و توهین آمیز
- ۲۵۷ ۶. دشنام به مقدسات دیگران
- ۲۵۸ ۷. تهمت
- ۲۵۹ ۸ دامن زدن به فساد (اشاعه فحشاء)
- ۲۶۰ ۹. نجواهای شیطانی
- ۲۶۱ ۱۰. گفتن سخنان گمراه کننده
- ۲۶۲ ۱۱. سوء ظن و تجسس
- ۲۶۳ ۱۲. خیانت به خدا، پیامبر و مؤمنان
- ۲۶۴ ۱۳. بخل
- ۲۶۵ ۱۴. تکبر
- ۲۶۶ ۱۵. شادمانی از گناه و علاقه به تحسین بی مورد دیگران
- ۲۶۷ ۱۶. منزّه دانستن خود از هر عیب
۱۷. حسد

- ۲۶۸ نهی از حسادت به دیگران
- ۲۶۹ پناه بردن به خدا از شرّ حسودان
- ۲۷۰ ۱۸. کشتن فرزند از بیم تنگدستی
- ۲۷۱ ۱۹. زنا
- ۲۷۲ ۲۰. قتل
- ۲۷۳ ۲۱. خوردن مال یتیم
- ۲۷۴ ۲۲. خوردن مال حرام
- ۲۷۵ ۲۳. قطع رحم
- ۲۷۶ ۲۴. ربا
- ۲۷۷ ۲۵. کم فروشی
- ۲۷۸ ۲۶. خودکشی
- ۲۷۹ ۲۷. شرب خمر و قمار
- ۲۸۰ ۲۸. غنا و آواز حرام

فصل چهارم: توبه

الف) اوصاف رحمت و غفران الهی

- ۲۸۱ بسیار آمرزنده
- ۲۸۲ حتمی نمودن رحمت بر خود
- ۲۸۳ تقدم رحمت بر غضب
- ۲۸۴ مغفرت برای مؤمنان، عذاب برای مجرمان (خوف و رجاء)
- ۲۸۵ توفیق توبه از سوی خداوند

- ۲۸۶ پذیرش توبه از سوی خداوند
ب) امیدبخشی به بندگان گناه کار
- ۲۸۷ نفی یأس و ناامیدی از رحمت خدا
- ۲۸۸ ناامیدی از رحمت؛ نشانه کفر
- ۲۸۹ آمرزش همه گناهان جز شرک
- ۲۹۰ ترک گناهان کبیره؛ موجب محو گناهان صغیره
- ۲۹۱ عاقبت گناه کاران توبه کار
- ج) فضیلت توبه گران
- ۲۹۲ محبوبیت نزد خداوند
- ۲۹۳ همراهی با مؤمنان و بهره مندی از پاداش الهی
- د) شروط توبه
- ۲۹۴ ۱. عدم اصرار بر گناه
- ۲۹۵ ۲. توبه به هنگام
- ۲۹۶ ۳. جبران و اصلاح گذشته
- ۲۹۷ بهترین شیوه توبه
- ه) آثار استغفار
- ۲۹۸ ۱. برخورداری از غفران و رحمت الهی
- ۲۹۹ ۲. نزول انواع نعمت ها
- ۳۰۰ ۳. ایمنی از عذاب
- سخن پایانی

بخش اول :

آیات اعتقادی

فصل اول: خداشناسی و توحید

تأکید بر شناخت دین صحیح

(الف) ستایش از تحقیق در کسب برترین اعتقاد

وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا
إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فَبَشِّرْ عِبَادِ ﴿١٧﴾ الَّذِينَ
يَسْمَعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ ۚ
أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَىٰ اللَّهُ ۖ وَوَلَّيْنَاكَ هُمْ
أُولُوا الْأَلْبَابِ ﴿١٨﴾

کسانی که از پرستیدن طاغوت [یعنی بت‌ها، اربابان کفر و شیطان‌های سرکش] دوری کردند و به سوی خدا بازگشتند، بر آنان مژده باد؛ پس به بندگانم مژده ده. (۱۷) آنان که سخن را می‌شنوند و از بهترینش پیروی می‌کنند، اینان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده، و یقیناً خردمندند (۱۸) (زمر)

ب) نفی راه‌های باطل در اعتقادات

۱. نفی تقلید در اعتقادات

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا
بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ ءَابَاءَنَا أَوْ لَوْ
كَانَ ءَابَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا
يَهْتَدُونَ ﴿١٧٠﴾

و هنگامی که به آنان [که مشرک و کافرند]
گویند: از آنچه خدا نازل کرده پیروی
کنید، می‌گویند: نه، بلکه از آیینی که
پدرانمان را بر آن یافتیم، پیروی می‌کنیم.
آیا اگر چه پدرانشان چیزی نمی‌فهمیدند
و راه [حق را به سبب کوردلی] نمی‌یافتند
[باز هم کورکورانه از آنان پیروی خواهند
کرد؟!](بقره، ۱۷۰)

۲. نفی پیروی از گمان در اعتقادات

وَمَا يَنْبَغُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي
مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ ﴿٣٦﴾

و بیشتر آنان [در عقایدشان] جز از گمان پیروی نمی کنند، یقیناً گمان به هیچ وجه انسان را از حق بی نیاز نمی کند، [و جای معرفت و دانش را نمی گیرد] مسلماً خدا به آنچه انجام می دهند داناست.

(یونس، ۳۶)

توحید و یگانگی خداوند

الف) ادله و براهین توحید

۱. برهان تمنع

لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلَٰهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا

فَسُبِّحَنَّ اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿٢٢﴾

لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ ﴿٢٣﴾

اگر در آسمان و زمین معبودانی جز خدا بود بی تردید هردو تباه می شد؛ پس منزّه است خدای صاحب عرش از آنچه [او را به ناحق به آن] وصف می کنند. (۲۲) خدا از آنچه انجام می دهد، بازخواست نمی شود و آنان [در برابر خدا] بازخواست خواهند شد. (۲۳) (انبیاء)

۲. هماہنگی اجزای آفرینش؛

دلیل یگانگی خالق

وَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ
 الرَّحِيمُ ﴿١٦٣﴾ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ
 وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ
 وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ
 النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ
 مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ
 فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيْحِ
 وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ
 وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿١٦٤﴾

و خدای شما خدای یگانه است، جز او خدایی نیست، رحمتش بی‌اندازه است و مهربانی‌اش همیشگی. (۱۶۳) بی‌تردید در آفرینش آسمان‌ها و زمین و رفت و آمد شب و روز و کشتی‌هایی که در دریاها [با جابجا کردن مسافر و کالا] به سود مردم روانند و بارانی که خدا از آسمان نازل کرده و به وسیله آن زمین را پس از مردگی‌اش زنده ساخته و در آن از هر نوع جنبنده‌ای پخش کرده و گرداندن باده‌ها و ابرِ مسخّر میان آسمان و زمین، نشانه‌هایی است [از توحید، ربوبیت و قدرت خدا] برای گروهی که می‌اندیشند. (۱۶۴) (بقره)

اسماء و صفات خدا

برخی اوصاف نیکوی خداوند

هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عِلْمُ الْغَيْبِ
وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ﴿٢٢﴾ هُوَ
اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ
السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ
الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا
يُشْرِكُونَ ﴿٢٣﴾ هُوَ اللَّهُ الْخَلِيقُ الْبَارِئُ
الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٢٤﴾

اوست خدایی که جز او هیچ معبودی نیست، دانای نهان و آشکار است، او رحمان و رحیم است. (۲۲) اوست خدایی که جز او هیچ معبودی نیست، همان فرمانروای پاک، سالم از هر عیب و نقص، ایمنی بخش، چیره، شکست‌ناپذیر، جبران‌کننده، شایسته بزرگی و عظمت، و خدا از آنچه شریک او قرار می‌دهند منزّه است. (۲۳) اوست خدا، آفریننده، نوساز، صورتگر، همه نام‌های نیکو ویژه اوست. آنچه در آسمان‌ها و زمین است همواره برای او تسبیح می‌گویند، و او توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است. (۲۴) **(حشر)**

ب) مهم ترین اوصاف ذات

۱. حیات، علم و قدرت بی پایان (آیه الكرسي)

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا
تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ
وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ
إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا
خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ
إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ
الْعَظِيمُ



خدای یکتا که جز او هیچ معبودی نیست،
 زنده و قائم به ذات [و مدبر و برپا دارنده
 و نگه دارنده همه مخلوقات] است، هیچ گاه
 خواب سبک و سنگین او را فرا نمی گیرد،
 آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است در
 سیطره مالکیت و فرمانروایی اوست. کیست
 آن که جز به اذن او در پیشگاهش شفاعت
 کند؟ آنچه را پیش روی مردم است [که
 نزد ایشان حاضر و مشهود است] و آنچه
 را پشت سر آنان است [که نسبت به
 آنان دور و پنهان است] می داند. و آنان به
 چیزی از دانش او احاطه ندارند مگر به
 آنچه او بخواهد. تخت [حکومت و قدرتش]
 آسمان ها و زمین را فرا گرفته و نگهداری
 آنها بر او مشقت آور نیست؛ و او بلند مرتبه
 و بزرگ است. (بقره، ۲۵۵)

۲. علم

آگاهی خدا از نیات درونی

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسَّوَسُ
 بِهِ نَفْسُهُ ۖ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ
 الْوَرِيدِ ﴿١٦﴾ إِذْ يُلْقَى الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ
 وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ ﴿١٧﴾ مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا
 لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ ﴿١٨﴾

همانا انسان را آفریدیم و همواره آنچه را که باطنش [نسبت به معاد و دیگر حقایق] به او وسوسه می‌کند، می‌دانیم، و ما به او از رگ گردن نزدیک‌تریم. (۱۶) [یاد کن] دو فرشته‌ای که همواره از ناحیه خیر و از ناحیه شر، ملازم انسان هستند و همه اعمالش را دریافت کرده و ضبط می‌کنند. (۱۷) هیچ سخنی را به زبان نمی‌گوید جز اینکه نزد آن [برای نوشتن و حفظش] نگهبانی آماده است. (۱۸) (سوره ق)

همراهی و احاطه همیشگی خداوند

... وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا

تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٤﴾

... و او با شماست هر جا که باشید، و خدا
به آنچه انجام می دهید بیناست. (حدید، ۴)

عالم محضر خدا

أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ



مگر ندانسته که قطعاً خدا [همه کارهایش
را] می بیند؟ (علق، ۱۴)

ج) مهم ترین اوصاف فعل

۱. رحمت

... قَالَ عَذَابِي أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاءُ
وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ
فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ
الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٥٦﴾

... خدا فرمود: عذابم را به هر کس
بخواهم می‌رسانم و رحمتم همه چیز را
فرا گرفته است، پس به زودی آن را برای
کسانی که [از شرک و کفر و بت پرستی و
ارتداد] می‌پرهیزند و زکات می‌پردازند و
به آیاتم ایمان می‌آورند، مقرر می‌دارم.
(اعراف، ۱۵۶)

۲. رازقیت

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ
رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ
فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿٦﴾

و هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر اینکه
رزق او بر خداست، و [او] قرارگاه واقعی و
جایگاه موقت آنان را می‌داند؛ همه [این
امور] در کتابی روشن ثبت است. (هود، ۶)

۳. ہدایت تشریعی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ
لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَّذْكُورًا ﴿١﴾ إِنَّا خَلَقْنَا
الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ
فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا ﴿٢﴾ إِنَّا هَدَيْنَاهُ
السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا ﴿٣﴾

به نام خدا که رحمتش بی‌اندازه است و مهربانی‌اش همیشگی * آیا بر انسان زمانی از روزگار گذشت که چیزی در خور ذکر نبود؟ (۱) ما انسان را از نطفه آمیخته و مختلطی [از مواد و عناصر] آفریدیم و او را از حالتی به حالتی و شکلی به شکلی [از نطفه به علقه، از علقه به مضغه، از مضغه به استخوان تا طفلی کامل] درآوردیم، پس او را شنوا و بینا قرار دادیم. (۲) ما راه را به او نشان دادیم یا سپاس گزار خواهد بود یا ناسپاس. (۳) (انسان)

د) برخی صفات سلبی

۱. بی مانند بودن خداوند

... لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ ... ﴿۱۱﴾

...هیچ چیزی مانند او نیست...

(شوری، ۱۱)

۲. نفی رؤیت پروردگار

لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ
 الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ ﴿١٠٣﴾

چشم‌ها او را در نمی‌یابند، ولی او
 چشم‌ها را درمی‌یابد، و او لطیف و
 آگاه است. (انعام، ۱۰۳)

۳. نفی شریک، فرزند و یاور

وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ
يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ
وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِيلِ وَكَبِّرَهُ تَكْبِيرًا



و بگو: همه ستایش‌ها ویژه خداست
که نه فرزندی گرفته و نه در فرمانروایی
شریکی دارد و نه او را به سبب ناتوانی
کمک‌کار و یاوری است. و او را بسیار
بزرگ شمار. (اسراء، ۱۱۱)

فصل دوم:

عدل الهی

نفی ظلم از ساحت پروردگار

إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَإِنْ تَكُ
حَسَنَةً يُضْعِفْهَا وَيُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ
أَجْرًا عَظِيمًا



یقیناً خدا به اندازه وزن ذره‌ای [به احدی] ستم نمی‌کند، و اگر [هم وزن آن ذره] کار نیکی باشد، آن را دو چندان می‌کند، و از نزد خود پاداشی بزرگ می‌دهد. (نساء، ۴۰)

عدل الهی و بلاها

الف) حتمی بودن امتحان

أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا
ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ ﴿٢﴾ وَلَقَدْ فَتَنَّا
الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلْيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ
صَدَقُوا وَلْيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ ﴿٣﴾

آیا مردم گمان کرده‌اند، همین که بگویند: ایمان آوردیم، رها می‌شوند و [به وسیله جان، مال، اولاد و حوادث] مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند؟ (۲) در حالی که یقیناً کسانی که پیش از آنان بودند، آزمایش کرده‌ایم [پس اینان هم بی‌تردید آزمایش می‌شوند]، و مسلماً خدا کسانی را که [در ادعای ایمان] راست گفته‌اند می‌شناسد، و قطعاً دروغگویان را نیز می‌شناسد. (۳)

(عنکبوت)

انواع امتحانات

وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ
وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ
وَالثَّمَرَاتِ ۖ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ ﴿١٥٥﴾

و بی تردید شما را به چیزی اندک از ترس و گرسنگی و کاهش بخشی از اموال و محصولات [نباتی یا ثمرات باغ زندگی از زن و فرزند] آزمایش می کنیم. و صبرکنندگان را بشارت ده. (بقره، ۱۵۵)

ب) فلسفه بلاها

۱. بلا؛ امتحان بندگان

وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجْتَهِدِينَ

مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَنَبْلُوا أَخْبَارَكُمْ ﴿٣١﴾

مسلماناً ما شما را امتحان می‌کنیم تا مجاهدان از شما و صابران را مشخص نماییم، و اخبار شما را نیز [که اعمال و اسرار شماست] می‌آزماییم [تا صدق و کذب شما را در همه امور معلوم بداریم].

(محمد، ۳۱)

۲. جزای خود عمل

وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فِيمَا
كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ ﴿٣٠﴾

هر آسیبی به شما رسد به سبب اعمالی
است که مرتکب شده‌اید، و از بسیاری [از
همان اعمال هم] درمی‌گذرد (شوری، ۳۰)

۳. تضرع و زاری در پیشگاه خداوند

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ
فَاَخَذْنَاهُمْ بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ
يَضُرُّعُونَ



و بی تردید ما به سوی امت‌هایی که
پیش از تو بودند [پیامبرانی] فرستادیم؛
پس آنان را [چون با پیامبران به مخالفت و
دشمنی برخاستند] به تهیدستی و سختی و
رنج و بیماری دچار کردیم، تا [در پیشگاه
ما] فروتنی و زاری کنند (انعام، ۴۲)

٤. بالابر دن مقام مؤمنان

وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ

وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ

وَالشَّمْرِاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ ﴿١٥٥﴾

الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا

لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴿١٥٦﴾ أُولَٰئِكَ عَلَيْهِمْ

صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَٰئِكَ

هُمُ الْمُهْتَدُونَ ﴿١٥٧﴾

و بی‌تردید شما را به چیزی اندک از ترس و گرسنگی و کاهش بخشی از اموال و محصولات [نباتی یا ثمرات باغ زندگی از زن و فرزند] آزمایش می‌کنیم. و صبرکنندگان را بشارت ده. (۱۵۵) همان کسانی که چون مصیبتی سخت به آنان رسد می‌گویند: انا لله و انا الیه راجعون «ما مملوک خداییم و یقیناً به سوی او بازمی‌گردیم» (۱۵۶) آنانند که درودها و رحمتی از سوی پروردگارشان بر آنان است و آنانند که هدایت یافته‌اند. (۱۵۷)

(بقره)

۵. جلوگیری از غرور و سرکشی بندگان

وَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِمْ مِنْ ضُرٍّ

لَلَّجُوا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿٧٥﴾

اگر به آنان رحم کنیم و آسیبی را که
دچار آن هستند [از آنان] برطرف سازیم،
باز هم سرگردانند و در طغیانشان لجاجت
می‌ورزند. (مؤمنون، ۷۵)

حکمت روزی اندک برای مؤمنان

وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي
الْأَرْضِ وَلَكِنْ يُنَزِّلُ بِقَدَرٍ مَّا يَشَاءُ
إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ ﴿٢٧﴾

اگر خدا رزق را بر بندگانش وسعت دهد،
در زمین سرکشی و ستم کنند، ولی آنچه
را بخواهد به اندازه نازل می‌کند؛ یقیناً او
به بندگانش آگاه و بیناست. (شوری، ۲۷)

۶. خیر و مصلحت بندگان

کُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ
 كُرْهُ لَكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا
 وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا
 شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ
 لَا تَعْلَمُونَ ﴿٢١٦﴾

جنگ [با دشمن] بر شما مقرر شده، و حال آن که برایتان ناخوشایند است. و بسا چیزی را خوش ندارید و آن برای شما خیر است، و بسا چیزی را دوست دارید و آن برای شما زیان دارد؛ و خدا [مصلحت شما را در همه امور] می‌داند و شما نمی‌دانید. (بقره، ۲۱۶)

۷. بروز توانایی و استعدادها

فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٥﴾

إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٦﴾

بی تردید با دشواری آسانی است. (۵) [آری]

بی تردید با دشواری آسانی است. (۶) (انشراح)

ج) فلسفه آسایش کفار در دنیا

۱. بی ارزشی دنیا

لَا يَغُرُّكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي
 الْبِلَادِ ﴿١٩٦﴾ مَتَّعُ قَلِيلٌ ثُمَّ مَأْوَاهُمْ
 جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿١٩٧﴾

رفت و آمد کافران در شهرها [با وسایل
 و ابزار فراوان و شوکت ظاهری] تو را
 به طمع نیندازد. (۱۹۶) [این] برخورداری
 اندک [و ناچیزی از زندگی زود گذر دنیا]
 است؛ سپس جایگاهشان دوزخ است، و آن
 بد آرامگاهی است. (۱۹۷) (آل عمران)

۲. عذاب استدراجی

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ
مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٨٢﴾ وَأُمْلِي لَهُمْ
إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ ﴿١٨٣﴾

و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند،
به تدریج از جایی که نمی دانند [به ورطه
سقوط و هلاکت می کشانیم تا عاقبت به
عذاب دنیا و آخرت دچار شوند.] (۱۸۲) و
به آنان مهلت می دهیم؛ [زیرا از سیطره
قدرت ما بیرون رفتنی نیستند] یقیناً تدبیر
و نقشه من استوار است. (۱۸۳) (اعراف)

۳. مهلت، برای افزایش گناهان

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمِّلِي لَهُمْ
خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمِّلِي لَهُمْ لِيَزْدَادُوا
إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿١٧٨﴾

و کسانی که کافر شدند، گمان نکنند
مهلتی که به آنان می‌دهیم به سودشان
خواهد بود، جز این نیست که مهلتشان
می‌دهیم تا بر گناه خود بیفزایند، و
برای آنان عذابی خوار کننده است.
(آل عمران، ۱۷۸)

۴. عدم قابلیت دنیا برای مجازات کامل

وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِمْ مَا تَرَكَ
عَلَيْهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ
مُّسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَعْجِرُونَ
سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ ﴿٦١﴾

و اگر خدا مردم را به سبب ستمشان مؤاخذه کند، هیچ جنبنده‌ای را [که مستحق مؤاخذه است] بر روی زمین باقی نمی‌گذاشت، ولی آنان را تا مدتی معین مهلت می‌دهد، پس هنگامی که اجلشان سرآید، نه ساعتی پس می‌مانند و نه ساعتی پیش می‌افتند. (نحل، ۶۱)

عدم غفلت خداوند از اعمال ستمگران

وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا
يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ
لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ ﴿٤٢﴾

و خدا را از آنچه ستمکاران انجام می دهند،
بی خبر مپندار؛ مسلماً [کیفر] آنان را برای
روزی که چشم‌ها در آن خیره می شود به
تأخیر می اندازد. (۴۲، ابراهیم)

۵. ثروت برای کفار؛ مایه عذاب در دنیا

فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا
يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ ﴿٥٥﴾

اموال و فرزندانشان تو را به شگفت نیاورد؛
خدا می خواهد آنان را در این زندگی دنیا
به وسیله آنها عذاب کند، و جانشان در
حالی که کافرند بیرون رود. (توبه، ۵۵)

۶. امتحان و آزمایش

وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا
مِّنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ
رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ



دیدگانت را به آنچه برخی از اصناف
آنان را بهره‌مند کردیم مدوز، [آنچه به
آنان داده‌ایم] شکوفه [بی‌میوه و زیور و
زینت] دنیاست تا آنان را در آن بیازماییم،
و رزق پروردگارت بهتر و پایدارتر است.
(انبیاء، ۱۳۱)

فصل سوم: نبوت

ضرورت بعثت انبیاء

بعثت انبیاء، اتمام حجت بر بندگان

رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ
لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ
اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿١٦٥﴾

پیامبرانی که مژده‌رسان و بیم‌دهنده بودند تا مردم را [در دنیا و آخرت در برابر خدا] پس از فرستادن پیامبران، عذر و بهانه و حجتی نباشد؛ و خدا همواره توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است. (نساء، ۱۶۵)

عصمت انبیاء

هدایت انبیاء توسط خداوند

أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَّتْهُمْ
 أَقْتَدَهُ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا
 إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ﴿٩٠﴾

آنان [که در آیات گذشته به عنوان پیامبران از ایشان یاد شد] کسانی هستند که خدا هدایتشان کرد، پس به هدایت آنان اقتدا کن، [و به قوم خود] بگو: در برابر رسالتم پاداشی از شما نمی‌خواهم، این [قرآن] جز کلامی استوار و باارزش و پندی برای جهانیان نیست. (انعام، ۹۰)

وظیفه ما در برابر انبیاء

۱. ایمان و اطاعت

ءَاٰمَنَ الرَّسُوْلُ بِمَاۤ اُنْزِلَ اِلَيْهِ مِنْ رَّبِّهٖ
وَالْمُؤْمِنُوْنَ كُلُّۢهُمْ ءَاٰمَنَ بِاللّٰهِ وَمَلٰٓئِكَتِهٖ
وَكُتُبِهٖ وَرُسُلِهٖ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ اَحَدٍ
مِّنْ رُّسُلِهٖ وَقَالُوْا سَمِعْنَا وَاَطَعْنَا
غُفْرٰنَكَ رَبَّنَا وَاِلَيْكَ الْمَصِيْرُ ﴿٢٨٥﴾

پیامبر به آنچه از پروردگارش به او نازل شده ایمان آورده، و مؤمنان همگی به خدا و فرشتگان و کتاب‌ها و پیامبران، ایمان آورده‌اند [و بر اساس ایمان استوارشان گفتند:] ما میان هیچ یک از پیامبران او فرق نمی‌گذاریم. و گفتند: شنیدیم و اطاعت کردیم، ای پروردگار ما! آمرزشت را خواهیم و بازگشت [همه] به سوی توست. (بقره، ۲۸۵)

۲. پیشی نگرفتن بر انبیاء

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْدُمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ
وَرَسُولِهِ ۖ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١﴾

ای اهل ایمان! بر خدا و پیامبرش [در هیچ
امری از امور دین و دنیا و آخرت] پیشی
مگیرید و از خدا پروا کنید که خدا شنوا
و داناست. (حجرات، ۱)

آثار پیروی از انبیاء

۱. زنده شدن دل‌ها

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ
وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ
وَأَعْلَمُوا أَنَّهُ اللَّهُ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ
وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٢٤﴾

ای اهل ایمان! هنگامی که خدا و پیامبرش
شما را به حقایقی که به شما [حیات
معنوی و] زندگی [واقعی] می‌بخشد،
دعوت می‌کنند اجابت کنید، و بدانید که
خدا میان آدمی و دلش حایل می‌شود
[تا حق را باطل و باطل را حق مپندارد]
و مسلماً همه شما به سوی او محشور
خواهید شد. (انفال، ۲۴)

۲. جلب محبت الہی

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ
 اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ
 ۳۱ قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ
 تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ ۳۲

بگو: اگر خدا را دوست دارید، پس مرا پیروی کنید تا خدا هم شما را دوست بدارد، و گناهانتان را بیامرزد؛ و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۳۱) بگو: از خدا و پیامبر اطاعت کنید. چنانچه روی گردانیدند [بدانند که] یقیناً خدا کافران را دوست ندارد. (۳۲) (آل عمران)

پیامبر خاتم حضرت محمد ﷺ

بعثت پیامبر ﷺ، نعمت خدا بر بندگان

لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ
فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ
آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ
الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا
مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿١٦٤﴾

یقیناً خدا بر مؤمنان منت نهاد که در
میان آنان پیامبری از خودشان برانگیخت
که آیات او را بر آنان می‌خواند و [از
آلودگی‌های فکری و روحی] پاکشان
می‌کند، و کتاب و حکمت به آنان
می‌آموزد، و به راستی که آنان پیش از آن
در گمراهی آشکاری بودند. (آل عمران، ۱۶۴)

ﷺ

لزوم اطاعت پیامبر

مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ
تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا ﴿٨٠﴾

هر که از پیامبر اطاعت کند، در حقیقت از خدا اطاعت کرده و هر که روی برتابد [حسابش با ماست.] ما تو را بر آنان مسئول [اعمالشان که به طور اجبار از فسق و فجور حفظشان کنی] نفرستادیم.

(نساء، ۸۰)

تسلیم بودن در برابر سخن و فرمان پیامبر ﷺ

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ
وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ
أَمْرِهِمْ ۗ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ
ضَلَالًا مُبِينًا ﴿٣٦﴾

و هیچ مرد و زن مؤمنی را نرسد هنگامی
که خدا و پیامبرش کاری را حکم کنند
برای آنان در کار خودشان اختیار باشد؛
و هرکس خدا و پیامبرش را نافرمانی کند
یقیناً به صورتی آشکار گمراه شده است.
(احزاب، ۳۶)

پیروی مطلق از تمام اوامر و نواهی پیامبر ﷺ

...وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا
نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ

شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٧﴾

و [از اموال و احکام و معارف دینی] آنچه
را پیامبر به شما عطا کرد بگیرید و از
آنچه شما را نهی کرد، باز ایستید و از
خدا پروا کنید؛ زیرا خدا سخت کیفر
است (حشر، ۷)

سزای آزار پیامبر ﷺ

إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ
فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا

مُهِينًا ﴿٥٧﴾

قطعاً آنان که خدا و پیامبرش را می آزارند،
خدا در دنیا و آخرت لعنتشان می کند، و
برای آنان عذابی خوارکننده آماده کرده
است. (احزاب، ۵۷)

خاتمیت

مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ
وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ
اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ﴿٤٠﴾

محمد، پدر هیچ یک از مردان شما نیست،
ولی فرستاده خدا و خاتم پیامبران است؛
و خدا به هر چیزی داناست. (احزاب، ۴۰)

دعوت جهانی

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ
بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ
لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢٨﴾

ما تو را برای همه مردم جز مژده‌رسان
و بیم دهنده نفرستادیم، ولی بیشتر مردم
[به این واقعیت] معرفت ندارند (سبأ، ۲۸)

پیامبر اسلام ﷺ
رحمت بر همه جهانیان

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ ﴿١٠٧﴾

و تو را جز رحمتی برای جهانیان
نفرستادیم. (انبیاء، ۱۰۷)

عصمت پیامبر ﷺ

عصمت پیامبر ﷺ در رفتار و گفتار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ ① مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا
غَوَىٰ ② وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ③ إِنْ هُوَ
إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ ④ عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ ⑤

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش
همیشگی * سوگند به ستاره هنگامی که [برای
غروب کردن در کرانه افق] افتد؛ (۱) که هرگز
دوست شما از راه راست منحرف نشده، و [در
ایمان و اعتقادش از راه خدا] به خطا نرفته؛ (۲) و
از روی هوا و هوس سخن نمی گوید. (۳) گفتار
او چیزی جز وحی که به او نازل می شود نیست.
(۴) [فرشته] بسیار نیرومند به او تعلیم داده
است. (۵) (نجم)

استواری پیامبر ﷺ بر صراط مستقیم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یس (۱) وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ (۲) إِنَّكَ لَمِنَ

الْمُرْسَلِينَ (۳) عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۴)

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و
مهربانی اش همیشگی * یس (۱) سوگند به
قرآن کریم، (۲) بی تردید تو از فرستادگانی، (۳)
بر راهی مستقیم [قرار داری]. (۴) (یس)

برخی صفات اخلاقی پیامبر ﷺ

۱. الگو بودن پیامبر ﷺ برای همگان

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ
حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ
وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا



یقیناً برای شما در [روش و رفتار] پیامبر
خدا الگوی نیکویی است برای کسی که
همواره به خدا و روز قیامت امید دارد؛ و
خدا را بسیار یاد می‌کند. (احزاب، ۲۱)

۲. اخلاق نیکوی پیامبر ﷺ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ ﴿١﴾ مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ
 رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ ﴿٢﴾ وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ
 مَمْنُونٍ ﴿٣﴾ وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ ﴿٤﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و
 مهربانی اش همیشگی* ن، سوگند به قلم و
 آنچه می نویسند، (۱) که به سبب رحمت
 پروردگارت [که نبوت و دانش و بصیرت
 است] تو مجنون نیستی؛ (۲) و بی تردید برای
 تو پاداشی همیشگی است؛ (۳) و یقیناً تو بر
 بلندای سجایای اخلاق عظیمی قرار داری. (۴)
 (قلم)

۳. شفقت نسبت به مؤمنان

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ
 أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ
 حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ
 رَءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿١٢٨﴾

یقیناً پیامبری از جنس خودتان به سویتان
 آمد که به مشقت افتادنتان بر او دشوار
 است، اشتیاق شدیدی به [هدایت] شما
 دارد، و نسبت به مؤمنان رؤوف و مهربان
 است. (توبه، ۱۲۸)

۴. نرم خویی و مهربانی با مردم

فِيمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لَئِنْ لَّهُمْ وَلَوْ كُنْتَ
 فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ
 فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ
 فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ
 يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ ﴿١٥٩﴾

[ای پیامبر!] پس به مهر و رحمتی از
 سوی خدا با آنان نرم خوی شدی، و
 اگر درشت خوی و سخت دل بودی از
 پیرامونت پراکنده می شدند؛ بنابراین از
 آنان گذشت کن، و برای آنان آمرزش
 بخواه، و در کارها با آنان مشورت کن،
 و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن؛
 زیرا خدا توکل کنندگان را دوست دارد.
 (آل عمران، ۱۵۹)

۵. عدم درخواست اجر در برابر رسالت

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ

شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا ﴿٥٧﴾

بگو: من از شما [در برابر تبلیغ دین هیچ] پاداشی نمی‌خواهم، جز اینکه هر که بخواهد [می‌تواند از برکت هدایت من] راهی به سوی پروردگارش بگیرد (فرقان، ۵۷)

فصل چہارم: امامت

امامت

**الف) ضرورت عقلی پیروی از شایسته‌ترین
فرد در هدایت بندگان**

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلْ
اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ
أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِي
فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿٣٥﴾

بگو: آیا از معبودان شما کسی هست که به
سوی حق هدایت کند؟ بگو: فقط خداست
که به سوی حق هدایت می‌کند؛ پس آیا
کسی که به سوی حق هدایت می‌کند، برای
پیروی شدن شایسته‌تر است یا کسی که
هدایت نمی‌یابد مگر آن که هدایتش کنند؟
شما را چه شده؟ چگونه [بدون دانش] داوری
می‌کنید؟ (یونس، ۳۵)

ب) ادله نقلی بر ضرورت وجود امام

۱. آیه وجوب اطاعت از اولی الامر

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا
الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ نَنَزَعْنَاهُ مِنْكُمْ
شَيْءٌ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ
بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ

تَأْوِيلًا

ای اهل ایمان! از خدا اطاعت کنید و [نیز] از پیامبر و صاحبان امر خودتان [که امامان از اهل بیت‌اند و چون پیامبر دارای مقام عصمت می‌باشند] اطاعت کنید. و اگر درباره چیزی [از احکام و امور مادی و معنوی و خانوادگی و اجتماعی و جنگ و صلح] نزاع داشتید، آن را [برای فیصله یافتنش] اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، به خدا و پیامبر ارجاع دهید؛ این [ارجاع دادن] برای شما بهتر و از نظر عاقبت نیکوتر است. (نساء، ۵۹)

۲. وجود هدایت کننده برای همه زمان ها

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ
آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ ۚ إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ
قَوْمٍ هَادٍ ﴿٧﴾

و کافران می گویند: چرا از سوی پروردگارش
معجزه‌ای [غیر قرآن] بر او نازل نشده؟ تو
فقط بیم‌دهنده‌ای [نه اعجاز کننده‌ای که هر
زمان هر کس و برای هر هدفی غیر منطقی
بخواند، دست به اعجاز بزنی] و برای هر
قومی هدایت کننده‌ای است. (رعد، ۷)

۳. تعیین وصی توسط حضرت موسی علیه السلام برای مدت کوتاه

وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا
بِعَشْرِ فِتْمٍ مِيقَتُ رَبِّهِ أَزْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ
مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ أَخْلِفْنِي فِي قَوْمِي
وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ ﴿١٤٢﴾

و با موسی [برای عبادتی ویژه و دریافت تورات] سی شب وعده گذاشتیم و آن را با [افزودن] ده شب کامل کردیم، پس میعادگاه پروردگارش به چهل شب پایان گرفت، و موسی [هنگامی که به میعادگاه می‌رفت] به برادرش هارون گفت: در میان قومم جانشین من باش و به اصلاح برخیز و از راه و روش مفسدان پیروی مکن (اعراف، ۱۴۲)

لزوم عصمت امام

۱. آیه اولی الامر

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا
الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ نَزَعْنَاهُ
فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ
تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ
وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ﴿٥٩﴾

ای اهل ایمان! از خدا اطاعت کنید و [نیز] از
پیامبر و صاحبان امر خودتان [که امامان از
اهل بیت‌اند و چون پیامبر دارای مقام عصمت
می‌باشند] اطاعت کنید. و اگر درباره چیزی
[از احکام و امور مادی و معنوی و خانوادگی
و اجتماعی و جنگ و صلح] نزاع داشتید، آن را
[برای فیصله یافتنش] اگر به خدا و روز قیامت
ایمان دارید، به خدا و پیامبر ارجاع دهید؛ این
[ارجاع دادن] برای شما بهتر و از نظر عاقبت
نیکوتر است. (نساء، ۵۹)

۲. آیه تطهیر

...إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمْ

الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا ﴿٣٣﴾

...جز این نیست که همواره خدا می‌خواهد هرگونه پلیدی را از شما اهل بیت [که به روایت شیعه و سنی محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم‌السلام اند] برطرف نماید، و شما را چنان که شایسته است [از همه گناهان و معاصی] پاک و پاکیزه نگه دارد. (احزاب، ۳۳)

۳. آیه ابتلاء

وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ ۖ قَالَ
 إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا ۖ قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي
 قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ ﴿١٢٤﴾

و [یاد کنید] هنگامی که ابراهیم را پروردگارش به تکالیفی [بسیار مهم] آزمایش کرد، پس او همه را به طور کامل به انجام رسانید، پروردگارش [به خاطر شایستگی او] فرمود: من تو را برای همهٔ مردم پیشوا قرار دادم. ابراهیم گفت: و از دودمانم [نیز پیشوایانی برگزین]. [پروردگار] فرمود: پیمان من [که امامت و پیشوایی است] به ستمکاران نمی‌رسد. (بقره، ۱۲۴)

۴. آیه صادقین

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا
مَعَ الصَّادِقِينَ ﴿١١٩﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا پروا کنید و با صادقان باشید [صادقانی که کامل‌ترینشان پیامبران و اهل بیت رسول بزرگوار اسلام هستند]. (توبه، ۱۱۹)

فضایل اهل بیت علیهم السلام

۱. آیه مباحله

فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ
الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ
وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ
ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَل لَّعْنَتَ اللَّهِ عَلَى



الْكَاذِبِينَ

پس هر که با تو درباره عیسی پس از آن
که بر تو [به واسطه وحی، نسبت به احوال
وی] آگاهی آمد، گفتگوی بی منطق کند، بگو:
بیایید ما پسرانمان و شما پسرانتان، و ما
زنانمان و شما زنانتان، و ما خویشان نزدیک و
شما خویشان نزدیکتان را دعوت کنیم؛ سپس
یکدیگر را نفرین نماییم، پس لعنت خدا را بر
دروغگویان قرار دهیم (آل عمران، ۶۱)

۲. اهل بیت علیهم السلام، شجره طیبه

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً
 كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا
 فِي السَّمَاءِ ﴿٢٤﴾ تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ
 بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ
 لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٢٥﴾

آیا ندانستی که خدا چگونه مثلی زده است؟ کلمه پاک [که اعتقاد واقعی به توحید است] مانند درخت پاک است، ریشه‌اش استوار و شاخه‌اش در آسمان است. (۲۴) میوه‌اش را به اجازۀ پروردگارش در هر زمانی می‌دهد. و خدا مثل‌ها را برای مردم می‌زند تا متذکر حقایق شوند. (۲۵) (ابراهیم)

۳. اهل بیت علیهم السلام، برترین مخلوقات

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
 أُولَٰئِكَ هُم خَيْرُ الْبَرِيَّةِ ﴿٧﴾ جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ
 رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
 خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا
 عَنْهُ ذَٰلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ ﴿٨﴾

مسلمانان کسانی که ایمان آورده و کارهای
 شایسته انجام داده‌اند، بهترین مخلوقاتند.
 (۷) پاداششان نزد پروردگارشان بهشت‌های
 پاینده‌ای است که از زیر [درختان] آن
 نهرها جاری است، در آنها جاودانه‌اند،
 خدا از آنان خشنود است و آنان هم از
 خدا خشنودند؛ این [پاداش] برای کسی
 است که از پروردگارش بترسد. (۸) **(بینه)**

۴. پرسش از نعمت ولایت در قیامت



ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ

آن گاه شما در آن روز از نعمت ها بازپرسی
خواهید شد. (تکاثّر، ۸)

۵. مودّت اهل بیت علیهم السلام، مزد رسالت پیامبر

ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهَ عِبَادَهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا
وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا
إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَن يَقْرِفْ حَسَنَةً
نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ ﴿٢٣﴾

این است چیزی که خدا آن را به بندگان
که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند
مژده می‌دهد. بگو: از شما [در برابر ابلاغ
رسالتم] هیچ پاداشی جز مودّت نزدیکانم را
[که بنابر روایات معتبر اهل بیت علیهم السلام هستند]
نمی‌خواهم. و هر کس کار نیکی کند، بر
نیکی‌اش می‌افزاییم؛ یقیناً خدا بسیار آمرزنده
و بخشنده پاداش فراوان در برابر عمل اندک
است. (شوری، ۲۳)

۶. پذیرش توبه آدم به واسطه اهل بیت علیهم السلام

فَلَقِيَ ءَادَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَتٍ فَنَابَ عَلَيْهِ
 إِنَّهُ هُوَ النَّوَّابُ الرَّحِيمُ



پس آدم کلماتی را [مانند کلمه استغفار و توسل به اهل بیت علیهم السلام که مایه توبه و بازگشت بود] از سوی پروردگارش دریافت کرد و [پروردگار] توبه‌اش را پذیرفت؛ زیرا او بسیار توبه‌پذیر و مهربان است. (بقره، ۳۷)

۷. انفاق در هنگام سختی (آیه اطعام)

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ
 مِزَاجُهَا كَافُورًا ﴿٥﴾ عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا
 عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا ﴿٦﴾ يُوفُونَ
 بِالْأَنْذَرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا ﴿٧﴾
 وَيُطْعَمُونَ أَلْطَعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا
 وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا ﴿٨﴾ إِنَّمَا نَطْعِمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ لَا
 نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا ﴿٩﴾ إِنَّا نَخَافُ مِنْ
 رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا ﴿١٠﴾

همانا نیکان همواره از جامی می‌نوشند که نوشیدنی‌اش آمیخته به کافور [آن ماده سرد و سپید و معطر] است. (۵) آن جام از چشمه‌ای است که همواره بندگان خدا از آن می‌نوشند و آن را به دلخواهشان هرگونه که بخواهند جاری می‌نمایند. (۶) [همانان که] همواره نذرشان را وفا می‌کنند، و از روزی که آسیب و گزندش گسترده است می‌ترسند، (۷) و غذا را در عین دوست داشتنش، به مسکین و یتیم و اسیر انفاق می‌کنند. (۸) [و می‌گویند:] ما شما را فقط برای خشنودی خدا اطعام می‌کنیم و انتظار هیچ پاداش و سپاسی را از شما نداریم. (۹) ما از پروردگارمان در روزی که روز عبوس و بسیار هولناکی است می‌ترسیم. (۱۰) (انسان)

۸. آیه اهل الذکر

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رَجَالًا نُوحِيَ
إِلَيْهِمْ فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا
تَعْلَمُونَ ﴿٤٣﴾

و پیش از تو جز مردانی که به آنان
وحی می‌کردیم نفرستادیم. اگر [این
حقیقت را] نمی‌دانید [که پیامبران از
جنس بشر بودند] از اهل دانش پرسید
[تا دیگر نگویند که چرا فرشته‌ای به
رسالت نازل نشده است؟!] (۴۳، نحل)

۹. اهل بیت (علیهم السلام)؛ وسیله تقرّب به خداوند

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ
وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي
سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٣٥﴾

ای اهل ایمان! از خدا پروا کنید و دست‌آویزی [از ایمان، عمل صالح و آبروی مقربان درگاهش] برای تقرّب به سوی او بجویید؛ و در راه او جهاد کنید تا بر موانع راه سعادت پیروز شوید (مائده، ۳۵)

۱۰. توسل به پیامبر ﷺ؛ شرط قبولی توبه

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ
بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا
أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ
وَأَسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ
تَوَّابًا رَحِيمًا ﴿٦٤﴾

و هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر آن که
به اذن خدا از او اطاعت شود. و اگر آنان
هنگامی که [با ارتکاب گناه] به خود
ستم کردند، نزد تو می آمدند و از خدا
آمرزش می خواستند، و پیامبر هم برای
آنان طلب آمرزش می کرد، یقیناً خدا
را بسیار توبه پذیر و مهربان می یافتند.
(نساء، ۶۴)

فضایل اختصاصی هر یک از اهل بیت علیهم السلام

الف) امیر مؤمنان علی علیه السلام

۱. آیه اکمال دین

...الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ
فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ
لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي
وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا ... ﴿٣﴾

...امروز کفرپیشگان از [شکست] دین شما ناامید شده‌اند؛ بنابراین از آنان مترسید و از من بترسید. امروز [با نصب علی بن ابی طالب علیه السلام به ولایت و امامت و حکومت و فرمانروایی بر امت] دیتان را برای شما کامل، و نعمتم را بر شما تمام کردم، و اسلام را برایتان به عنوان دین پسندیدم... (مائده، ۳)

۲. آیه ولایت

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا
الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ
رَاكِعُونَ ﴿٥٥﴾ وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ
ءَامَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ ﴿٥٦﴾

سرپرست و دوست شما فقط خدا و رسول اوست و مؤمنانی [مانند علی بن ابی طالب‌اند] که همواره نماز را برپا می‌دارند و در حالی که در رکوعند [به تهیدستان] زکات می‌دهند. (۵۵) و کسانی که خدا و رسولش و مؤمنانی [چون علی بن ابی طالب علیه السلام] را به سرپرستی و دوستی بپذیرند [حزب خدایند،] و یقیناً حزب خدا [در هر زمان و همه جا] پیروزند. (۵۶)

(مأثده)

۳. آیه تبلیغ

يَأْتِيهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ
 رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ
 وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا
 يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ﴿٦٧﴾

ای پیامبر! آنچه از سوی پروردگارت
 [درباره ولایت و رهبری علی بن
 ابی طالب امیرالمؤمنین علیه السلام] بر تو نازل
 شده ابلاغ کن؛ و اگر انجام ندهی پیام
 خدا را نرسانده‌ای. خدا تو را از [آسیب و
 گزند] مردم نگه می‌دارد؛ قطعاً خدا گروه
 کافران را هدایت نمی‌کند. (مائده، ۶۷)

۴. هادی اُمّت

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ ۚ إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ ﴿٧﴾

و کافران می گویند: چرا از سوی پروردگارش معجزه‌ای [غیر قرآن] بر او نازل نشده؟ تو فقط بیم‌دهنده‌ای [نه اعجاز کننده‌ای که هر زمان هر کس و برای هر هدفی غیر منطقی بخواهد، دست به اعجاز بزنی] و برای هر قومی هدایت‌کننده‌ای است. (رعد، ۷)

۵. آیه علم الكتاب

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ
مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا
بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمٌ
الْكِتَابِ ﴿٤٣﴾

کافران می‌گویند: تو فرستاده [خدا]
نیستی. بگو: کافی است که خدا [با
آیات حکیمانه قرآنش] و کسی [چون
امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام] که
دانش کتاب نزد اوست، میان من و شما
[نسبت به پیامبری‌ام] گواه باشند. (رعد، ۴۳)

۶. آیه نجوا

ءَأَسْفَقْتُمْ أَن تَقْدِمُوا بَيْنَ يَدَي نَجْوَانِكُمْ
 صَدَقْتُمْ فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَتَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ
 فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا
 اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۚ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٣﴾

آیا ترسیدید پیش از گفتگوی محرمانه خود
 صدقاتی پردازید؟ اکنون که نپرداختید خدا
 توبه شما را پذیرفت، پس نماز را برپا دارید
 و زکات بدهید و از خدا و پیامبرش اطاعت
 کنید، و خدا به اعمالی که انجام می‌دهید
 آگاه است. (۱۳، مجادله)

۷. انفاق در نهان و آشکار

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ
وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ
أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ
عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ



کسانی که [چون علی بن ابی طالب علیه السلام] اموالشان را در شب و روز و پنهان و آشکار انفاق می کنند، برای آنان نزد پروردگارشان پاداشی شایسته است؛ و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند (بقره، ۲۷۴)

۸. ایتار در لیلۃ المیت

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ
 ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ
 بِالْعِبَادِ ﴿٢٠٧﴾

و از مردم کسی [مانند علی بن ابیطالب علیه السلام]
 [است که جاننش را برای خشنودی خدا
 می فروشد و خدا به بندگان مهربان است
 (بقره، ۲۰۷)]

ب) حضرت زهرا علیها السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 إِنَّا أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ ﴿١﴾ فَصَلِّ
 لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ ﴿٢﴾ إِنَّ شَانِئَكَ
 هُوَ الْأَبْتَرُ ﴿٣﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و
 مهربانی اش همیشگی * بی تردید ما به تو
 خیر فراوان [که برکت در نسل است و از
 فاطمه ریشه می گیرد] عطا کردیم. (۱) پس
 [به شکرانه آن] برای پروردگارت نماز بخوان
 و شتر قربانی کن. (۲) یقیناً دشمن [که به]
 تو [زخم زبان می زند] خود بدون نسل [و]
 بریده از همه خیرات و برکات] است. (۳)

(کوثر)

ج) امام حسین علیه السلام

يَتَأَيَّنُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ﴿٢٧﴾ أَرْجِعِي

إِلَى رَبِّكَ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً ﴿٢٨﴾ فَأَدْخُلِي فِي

عِبَادِي ﴿٢٩﴾ وَأَدْخُلِي جَنَّتِي ﴿٣٠﴾

ای جان آرام گرفته و اطمینان یافته! (۲۷)
به سوی پروردگارت در حالی که از او
خشنودی و او هم از تو خشنود است باز
گرد. (۲۸) پس در میان بندگانم در آی (۲۹)
و در بهشتم وارد شو. (۳۰) (فجر)

د) امام زمان علیه السلام

۱. وراثت صالحان در زمین

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ
الَّذِي رَأَتْ الْأَرْضُ يَرِثُهَا عِبَادِيَ

الصَّالِحُونَ ﴿١٠٥﴾

و همانا ما پس از تورات در زبور نوشتیم
که زمین را بندگان شایسته ما به میراث
می‌برند. (انبیاء، ۱۰۵)

۲. وعده حکومت مؤمنان در آخر الزمان

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا
الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ
كَمَا أَسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ
وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ
لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا
يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن
كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ

الْفَاسِقُونَ ﴿٥٥﴾

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین [دیگران] کند، همان گونه که پیشینیان آنان را جانشین [دیگران] کرد، و قطعاً دینشان را که برای آنان پسندیده به سودشان استوار نماید، و یقیناً بیمشان را تبدیل به امنیت کند، [تا جایی که] فقط مرا ببرستند [و] هیچ چیزی را شریک من نگیرند. و آنان که پس از این نعمت‌های ویژه ناسپاسی ورزند [در حقیقت] بدکار و نافرمان‌اند. (نور، ۵۵)

۳. حکومت جهانی مستضعفان

وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ
 اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ
 أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ﴿٥﴾

ما می‌خواستیم به آنان که در آن سرزمین
 به ناتوانی و زبونی گرفته شده بودند،
 نعمت‌های باارزش دهیم، و آنان را
 پیشوایان مردم و وارشان [اموال، ثروت‌ها و
 سرزمین‌های فرعونیان] گردانیم. (قصص، ۵)

۴. باقی مانده خداوند

بَقِيَتْ لِلَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ
مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ ﴿٨٦﴾

آنچه خدا [در کسب و کارتان از سود و
بهره پس از پرداخت حق مردم] باقی
می‌گذارد، برای شما بهتر است اگر
مؤمن باشید، و من بر شما نگهبان نیستم
(هود، ۸۶)

فصل پنجم: معاد

الف) تأکید بر وقوع معاد

نفی هرگونه تردید نسبت به وقوع معاد

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَ كُمُ إِلَى
يَوْمِ الْقِيَمَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ
مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا



خداست که هیچ معبودی جز او نیست.
مسلماً شما را [از گورهایتان] به سوی
[دادگاه‌های حسابرسی] روز قیامت که هیچ
شکی در آن نیست جمع میکند؛ و راستگوتر
از خدا در گفتار کیست؟ (نساء، ۸۷)

پاسخ به منکران معاد

وَهُوَ الَّذِي يَبْدُؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ
 أَهْوَنُ عَلَيْهِ وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ فِي السَّمَوَاتِ
 وَالْأَرْضِ ۚ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٢٧﴾

اوست که مخلوقات را می‌آفریند سپس
 آنان را [پس از مرگشان] باز می‌گرداند؛ و
 این [کار] برای او آسان‌تر است. و برترین
 وصف‌ها در آسمان‌ها و زمین ویژه اوست؛
 و او توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است.
 (روم، ۲۷)

ب) اوصاف روز قیامت

۱. فرار از بستگان نزدیک

فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاحَّةُ ﴿٣٣﴾ يَوْمَ يَفِرُّ
الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ ﴿٣٤﴾ وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ ﴿٣٥﴾
وَصَحْبِهِ وَبَنِيهِ ﴿٣٦﴾ لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ
يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ ﴿٣٧﴾

پس زمانی که آن بانگ هولناک و مهیب در رسد، (۳۳) و آن روزی است که آدمی فرار می‌کند، از برادرش (۳۴) و از مادر و پدرش (۳۵) و از همسر و فرزنداناش (۳۶) در آن روز هرکسی از آنان را کاری است که او را به خود مشغول می‌کند [تا جایی که نمی‌گذارد به چیز دیگری پردازد]. (۳۷)

(عبس)

۲. زلزلہ وحشتناک رستاخیز

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ

زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ ﴿١﴾

تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ

عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ

حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَرَىٰ

وَمَا هُمْ بِسُكَرَىٰ وَلَٰكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ

شَدِيدٌ ﴿٢﴾

به نام خدا که رحمتش بی‌اندازه است و
مهربانی‌اش همیشگی

ای مردم! از پروردگارتان پروا کنید،
بی‌تردید زلزله قیامت، واقعه‌ای بزرگ
است. (۱) روزی که آن را ببینید [مشاهده
خواهید کرد که] هر مادر شیر دهنده‌ای
از کودکی که شیرش می‌دهد، بی‌خبر
می‌شود، و هر ماده بارداری بار خود را
سقط می‌کند، و مردم را مست می‌بینی در
حالی که مست نیستند، بلکه عذاب خدا
بسیار سخت است. (۲) (حج)

۳. پیر شدن کودکان از شدت سختی روز قیامت

فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِن كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ

الْوِلْدَانَ شِيبًا ﴿١٧﴾

اگر امروز کفر بورزید، پس چگونه خود
را [از عذاب] روزی که کودکان را پیر
می‌کند، حفظ می‌نمایید؟ (مزمل، ۱۷)

۴. از بین رفتن مقام‌های دنیوی و

عزت مندی مؤمنان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ۝ (۱) لَيْسَ لَوْعْنَهَا كَاذِبَةٌ

(۲) خَافِضَةٌ رَّافِعَةٌ ۝ (۳)

به نام خدا که رحمتش بی‌اندازه است و
مهربانی‌اش همیشگی

هنگامی که واقعه [بسیار عظیم قیامت]
واقع شود، (۱) که در واقع شدنش دروغی
[در کار] نیست، (۲) پست کننده [کافران] و
رفعت دهنده [مؤمنان] است. (۳) (واقعه)

۵. جدایی انسان و تمام وابستگی‌ها

لَنْ تَنْفَعَكُمُ أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ يَوْمَ
الْقِيَمَةِ يَفْصِلُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا
تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ



روز قیامت [که کیفر دوستی با دشمنان را
می‌دهند] خویشان و فرزندان سودی به
حال شما ندارند، خدا میان شما و آنان
جدایی می‌اندازد، و خدا به آنچه انجام
می‌دهید بیناست (ممتحنه، ۳)

۶. سودمند نبودن نسبت‌ها و افتخارات قبیله‌ای

فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ
يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ ﴿١٠١﴾

چون در صور دمیده شود، در آن روز نه
میان‌شان خویشاوندی و نسبی وجود خواهد
داشت و نه از اوضاع و احوال یکدیگر
می‌پرسند؛ (مؤمنون، ۱۰۱)

۷. نفی به عہدہ گرفتن گناہ دیگری

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا
 اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا وَلْنَحْمِلْ خَطِيئَتَكُمْ وَمَا
 هُمْ بِحَامِلِينَ مِنْ خَطِيئَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ
 إِنَّهُمْ لَكَذِبُونَ ﴿١٢﴾ وَلِيَحْمِلُوا
 أَثْقَالَهُمْ وَأَتَقَالَا مَعَ أَثْقَالِهِمْ وَلَيُسْأَلُنَّ يَوْمَ
 الْقِيَمَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿١٣﴾

و کافران به مؤمنان گفتند: از راه ما پیروی کنید
تا ما [اگر آخرتی و عذابی در کار باشد] گناهان
شما را به عهده گیریم. و آنان [به اختیار خود]
بر عهده گیرنده چیزی از گناهان اینان نیستند،
آنان یقیناً [در پیشنهادی که به مؤمنان می دهند]
دروغگویند، (۱۲) مسلماً بارهای [گناهان]
خود را با بارهای دیگری [از گناهان کسانی
که گمراهشان کردند] همراه با بارهای خود
به دوش خواهند کشید، و روز قیامت از آنچه
[به خدا و پیامبر و قرآن] افترا می بستند، حتماً
بازپرسی خواهند شد. (۱۳) (عنکبوت)

۸. حاکمیت مطلق خداوند در روز قیامت

يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِّنَفْسٍ شَيْئًا

وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ

روزی که کسی از کسی چیزی از عذاب را دفع نمی‌کند، و در آن روز، حکومت و فرمان راندن ویژه خداست (انفطار، ۱۹)

۹. ناکارآمدی تمام سرمایه‌های دنیا

برای رهایی از عذاب

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا
 فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ،
 لَيَفْتَدُوا بِهِ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَمَةِ مَا
 نَقْبِلَ مِنْهُمْ^ط وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٣٦﴾

قطعاً کسانی که کافر شدند اگر همه
 آنچه در زمین است و همانند آن را نیز با
 آن همراه خود داشته باشند، تا آن را برای
 نجاتشان از عذاب روز قیامت عوض دهند،
 از آنان پذیرفته نخواهد شد؛ و برای آنان
 عذابی دردناک است (۳۶، مائده)

۱۰. حساب رسی انسان از اعمال خویش

وَكُلَّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ
وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ
مَنْشُورًا ﴿١٣﴾ أَقْرَأَ كَتَبَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ
الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا ﴿١٤﴾

و عمل هر انسانی را برای همیشه ملازم او
نموده ایم، و روز قیامت نوشته ای را [که کتاب
عمل اوست] برای او بیرون می آوریم که آن
را پیش رویش گشوده می بیند. (۱۳) [به او
می گویند:] کتاب خود را بخوان، کافی است
که امروز خودت بر خود حسابگر باشی.
(۱۴) (اسراء)

۱۱. شگفتی انسان از دقت محاسبه و تجسم اعمال

وَوُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ
مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يُوَيْلُنَا مَا لَ
هَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا
كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا
حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا ﴿٤٩﴾

کتاب [اعمال] هر کسی [در برابر دیدگانش] نهاده می‌شود، پس مجرمان را می‌بینی که از آنچه در آن است هراسانند و می‌گویند: ای وای بر ما، این چه کتابی است که هیچ عمل کوچک و بزرگی را فرو نگذاشته است مگر آن که آن را به حساب آورده؟! و هر عملی را انجام داده‌اند حاضر می‌یابند، و پروردگارت به هیچ کس ستم نخواهد کرد (کهف، ۴۹)

۱۲. مشاهدہ کوچک ترین اعمال نیک و بد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا ①

وَأُخْرِجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا ②

وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا ③ يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ

أَخْبَارَهَا ④ بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا ⑤

يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا

لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ ⑥ فَمَنْ يَعْمَلْ

مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ⑦ وَمَنْ

يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ⑧

به نام خدا که رحمتش بی‌اندازه است و
مهربانی‌اش همیشگی

هنگامی که زمین را با [شدیدترین]
لرزشش بلرزانند، (۱) و زمین بارهای
گران‌ش را بیرون اندازد، (۲) و انسان بگوید:
زمین را چه شده است؟ (۳) آن روز است
که زمین اخبار خود را می‌گوید؛ (۴)
چون پروردگارت به او وحی کرده است.
(۵) آن روز مردم [پس از پایان حساب]
به صورت گروه‌های پراکنده [به سوی
منزل‌های ابدی خود بهشت یا دوزخ]
باز می‌گردند، تا اعمالشان را [به صورت
تجسم یافته] به آنان نشان دهند. (۶) پس
هرکس هم‌وزن ذره‌ای نیکی کند، آن نیکی
را ببیند. (۷) و هرکس هم‌وزن ذره‌ای بدی
کند، آن بدی را ببیند. (۸) (زلزال)

۱۳. دقت و عدالت در سنجش اعمال

وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَمَةِ
 فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ
 مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا
 وَكَفَىٰ بِنَا حَسِيبِينَ ﴿٤٧﴾

و ترازوهای عدالت را روز قیامت می نهیم
 و به هیچ کس کمترین ستمی نمی شود؛
 و اگر [عمل خوب یا بد] هم وزن دانه
 خردلی باشد آن را [برای وزن کردن]
 می آوریم، و کافی است که ما حسابگر
 باشیم. (انبیاء، ۴۷)

ج) شاهدان اعمال در روز قیامت

۱. خداوند

يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُم بِمَا
عَمِلُوا أَحْصَاهُ اللَّهُ وَنَسُوهُ وَاللَّهُ عَلَى

كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿٦﴾

در روزی که خدا همه آنان را برمی‌انگیزد،
آن گاه به اعمالی که انجام داده‌اند، آگاهشان
می‌کند، اعمالی که خدا حساب همه آنها
را برشمرده است در حالی که [آنان] آن را
فراموش کرده‌اند، و خدا بر هر چیز گواه
است. (مجادله، ۶)

۲. پیامبر اسلام

گواه بودن پیامبر بر همگان

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِدًا
وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿٤٥﴾ وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ
بِإِذْنِهِ، وَسِرَاجًا مُنِيرًا ﴿٤٦﴾

ای پیامبر! به راستی ما تو را شاهد [بر امت] و مژده‌رسان و بیم‌دهنده فرستادیم. (۴۵) و تو را دعوت کننده به سوی خدا به فرمان او و چراغی فروزان [برای هدایت جهانیان] قرار دادیم. (۴۶) (احزاب)

گواه بودن پیامبر بر انبیای پیشین

فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ
وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا ﴿٤١﴾

پس چگونه است [حال مردم] هنگامی
که از هر امتی گواهی [که پیامبر آنان
است بر اعمالشان] بیاوریم، و تو را بر
آنان گواه آوریم؟ (نساء، ۴۱)

۳. پیامبر هر امت

وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ
مِّنْ أَنفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى
هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا
لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى

لِّلْمُسْلِمِينَ ﴿٨٩﴾

و [یاد کن] روزی که در هر امتی گواهی از
خودشان بر آنان برمی‌انگیزیم، و تو را [ای
پیامبر اسلام!] بر اینان گواه می‌آوریم؛ و
این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر
هر چیزی و هدایت و رحمت و مژده‌ای
برای تسلیم‌شدگان [به فرمان‌های خدا]
ست. (نحل، ۸۹)

۴. مؤمنان حقیقی (امامان)

وَقُلْ أَعْمَلُوا فَسِيرَى اللَّهِ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ،
وَالْمُؤْمِنُونَ وَسُتُرْدُونَ إِلَى عِلْمِ الْغَيْبِ
وَالشَّهَادَةِ فَيَنْبِئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٠٥﴾

بگو: عمل کنید یقیناً خدا و پیامبرش و
مؤمنان اعمال شما را می بینند، و به زودی
شما را به سوی دانای نهان و آشکار
باز می گردانند، پس شما را به آنچه همواره
انجام می دادید آگاه می کند (توبه، ۱۰۵)

۵. اعضای بدن

وَيَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ فَهُمْ
يُوزَعُونَ ﴿١٩﴾ حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ
سَمْعُهُمْ وَأَبْصَرُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا
يَعْمَلُونَ ﴿٢٠﴾

و [یاد کن] روزی که دشمنان خدا را به
سوی آتش جمع می‌کنند، پس آنان را از
حرکت باز می‌دارند [تا گروه‌های دیگر
به آنان ملحق شوند]. (۱۹) وقتی به آتش
می‌رسند، گوش و چشم و پوستشان به
اعمالی که همواره انجام می‌دادند گواهی
می‌دهند. (۲۰) (فصلت)

شفاعت

الف) تحقق شفاعت به اذن پروردگار

قُلْ لِلَّهِ الشَّفَعَةُ جَمِيعًا ۖ لَهُ مُلْكُ
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ ثُمَّ إِلَيْهِ
تُرْجَعُونَ



بگو: شفاعت، یکسره ویژه خداست، فرمانروایی
آسمان‌ها و زمین در سیطره اوست، سپس شما
را به سوی او بازمی گردانند (زمر، ۴۴)

ب) شرط شفاعت کنندگان

۱. شهادت به حق

وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ
الشفاعة إلا من شهد بالحق وهم

يَعْلَمُونَ ﴿٨٦﴾

و کسانی را که به جای خدا می پرستند،
اختیار شفاعت ندارند، اختیار شفاعت فقط
با کسانی است که [از روی بصیرت] شهادت
به حق داده اند و آنان [حقیقت حال کسانی
را که می خواهند برای آنان شفاعت کنند]
می دانند. (زخرف، ۸۶)

۲. رضایت پروردگار از گفتار و عمل ایشان

يَوْمَئِذٍ لَا نَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ

الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا ﴿١٠٩﴾

در آن روز شفاعت کسی سودی ندهد
مگر آن که [خدای] رحمان به او اذن دهد
و گفتارش را [در مورد شفاعت از دیگران]
بپسندد (طه، ۱۰۹)

۳. وفاداری به عهد و پیمان با خداوند

لَا يَمْلِكُونَ الشَّفْعَةَ إِلَّا مَنْ اتَّخَذَ

عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا ﴿٨٧﴾

[شفیعان در آن روز] قدرت بر شفاعت ندارند مگر کسانی [مانند پیامبران، امامان، فرشتگان و اولیا] که از نزد [خدای] رحمان، پیمانی [بر اذن شفاعت] گرفته باشند.
(مریم، ۸۷)

ج) شرط شفاعت شونده‌گان

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا
يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَىٰ وَهُمْ مِّنْ

خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ ﴿٢٨﴾

خدا همه گذشته و آینده آنان را می‌داند،
و جز برای کسی که خدا بپسندد شفاعت
نمی‌کنند، و آنان به خاطر خشیت از
[عظمت و جلال] او بیمناکند (انبیاء، ۲۸)

معاد جسمانی

شکل گیری دوباره سر انگستان

أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ تَجْمَعَ عِظَامُهُ، ﴿٣﴾ بَلَى
 قَدَرِينَ عَلَى أَنْ تُسَوَّى بَنَانُهُ، ﴿٤﴾ بَلْ يُرِيدُ
 الْإِنْسَانُ لِيَفْجَرُ أَمَامَهُ، ﴿٥﴾

آیا انسان گمان می کند که ما هرگز استخوان هایش را جمع نخواهیم کرد؟ (۳)
 چرا در حالی که تواناییم [خطوط] سر انگشتانش را درست و نیکو بازسازی کنیم، (۴) [نه اینکه به گمان او قیامتی در کار نباشد] بلکه انسان می خواهد [با دست و پا زدن در شک و تردید] فرارویش را [از اعتقاد به قیامت که بازدارنده ای قوی است] باز کند [تا برای ارتکاب هر گناهی آزاد باشد!] (۵) (قیامت)

زنده کردن همان استخوان پوسیده

وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ، قَالَ مَنْ
يُحْيِي الْعِظَمَ وَهِيَ رَمِيمٌ ﴿٧٨﴾ قُلْ
يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ
خَلْقٍ عَلِيمٌ ﴿٧٩﴾

در حالی که آفرینش نخستین خود را
از یاد برده برای ما مثلی زد [و] گفت:
چه کسی این استخوان‌ها را در حالی
که پوسیده‌اند زنده می‌کند؟ (۷۸) بگو:
همان کسی که نخستین بار آن را پدید
آورد، زنده‌اش می‌کند، و او به هر چیزی
دانا است (۷۹) (یس)

بهشت و جهنم

بر خور داری از مواهب فوق تصور بهشتیان

فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ
جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٧﴾

قطعاً هیچ کس نمی داند چه چیزهایی
که مایه خوشحالی آنان است به پاداش
اعمالی که همواره انجام می داده اند، برای
آنان پنهان داشته اند (سجده، ۱۷)

عذاب دردناک جهنمیان

سَأُصْلِيهِ سَقَرَ ﴿٢٦﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرُ ﴿٢٧﴾
لَا يُبْقَى وَلَا نَذَرُ ﴿٢٨﴾ لَوْ أَهَّ لِلْبَشَرِ ﴿٢٩﴾

به زودی او را در سقر درآورم (۲۶) و تو چه می‌دانی سقر چیست؟ (۲۷) [آتشی است که] نه چیزی را باقی می‌گذارد و نه رها می‌کند؛ (۲۸) پوست بدن را [همه جانبه] دگرگون می‌کند. (۲۹) (مدثر)

بخش دوم:

آیات فروع دین و احکام

نماز

الف) وجوب نماز

... إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ

كِتَابًا مَّوْقُوتًا ﴿۱۰۳﴾

... مسلماً نماز همواره در اوقاتی مشخص
و معین وظیفه‌ای مقرر بر مؤمنان است.

(نساء، ۱۰۳)

مداومت بر انجام نماز

حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ

الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ ﴿۲۳۸﴾

بر همه نمازها و به ویژه نماز میانه [که بر اساس پاره‌ای از روایات، نماز ظهر است] محافظت کنید، و [هنگام عبادت] فروتنانه برای خدا قیام کنید (بقره، ۲۳۸)

ب) حکمت و فوائد نماز

۱. بهترین وسیله یاد خدا

... وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي ﴿١٤﴾

نماز را برای یاد من برپا دار. (طه، ۱۴)

۲. جلوگیری از ارتکاب منکرات

أَتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ
وَأَقِمِ الصَّلَاةَ ابْتَغَاءَ الصَّلَاةِ
تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ
وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا

تَصْنَعُونَ ﴿٤٥﴾

آنچه را از این کتاب به تو وحی شده است، بخوان و نماز را برپا دار، یقیناً نماز از گناهان آشکار، و کارهای ناپسند باز می‌دارد؛ و همانا ذکر خدا بزرگ‌تر است، و خدا آنچه را انجام می‌دهید می‌داند (عنکبوت، ۴۵)

روزه

يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ
الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ
قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿١٨٣﴾

ای اهل ایمان! روزه بر شما مقرر شده، همان گونه
که بر پیشینیان شما مقرر شد، تا پرهیزکار شوید.

(۱۸۳، بقره)

زکات

خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ
وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ
سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١٠٣﴾

از اموالشان زکاتی دریافت کن که به
سبب آن [نفوس و اموالشان را] پاک
می‌کنی، و آنان را رشد و تکامل می‌دهی؛
و [به هنگام دریافت زکات] آنان را دعا
کن؛ زیرا دعای تو مایه آرامش برای آنان
است؛ و خدا شنوا و داناست. (توبه، ۱۰۳)

خمس

وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِّن شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ
خُمُسَهُ، وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ
وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنتُمْ
ءَامَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ
الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّلَاقِ الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَىٰ
كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٤١﴾

و بدانید هر چیزی که [از راه جهاد یا کسب یا هر طریق مشروعی] به عنوان غنیمت و فایده به دست آورید [کم باشد یا زیاد] یک پنجم آن برای خدا و رسول خدا ﷺ و خویشان پیامبر، و یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان است، اگر به خدا و آنچه بر بنده اش روز جدا کننده حق از باطل، روز رویارویی دو گروه [مؤمن و کافر در جنگ بدر] نازل کردیم، ایمان آورده‌اید [پس آن را به عنوان حقی واجب به خدا و رسول و دیگر نامبردگان پردازید]؛ و خدا بر هرکاری تواناست (انفال، ۴۱)

جهاد

اهمیت جهاد

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَتِّلُونَكُمُ

وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ

الْمُعْتَدِينَ ﴿١٩٠﴾

و در راه خدا با کسانی که با شما
می‌جنگند بجنگید، و [هنگام جنگ از
حدود الهی] تجاوز نکنید، که خدا
تجاوزکاران را دوست ندارد. (۱۹۰، بقره)

مقام جہادگران شہید

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ
 أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ ﴿١٦٩﴾
 فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ
 وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ
 مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ
 يَحْزَنُونَ ﴿١٧٠﴾ يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ
 مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ
 الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٧١﴾

هرگز گمان مبر آنان که در راه خدا کشته شدند مردگانند، بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند. (۱۶۹) در حالی که خدا به آنچه از بخشش و احسان خود به آنان عطا کرده شادمانند، و برای کسانی که از پی ایشانند و هنوز به آنان نپیوسته‌اند [و سرانجام به شرف شهادت نایل می‌شوند] شادی می‌کنند، که نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند. (۱۷۰) [شهیدان] به نعمت و فضلی از سوی خدا و اینکه خدا پاداش مؤمنان را تباه نمی‌کند، شادمان و مسرورند. (۱۷۱) (آل عمران)

حج

وَلِلّٰهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ
إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ
الْعَالَمِينَ ﴿١٧﴾

و خدا را حقّی لازم بر عهدهٔ مردم است که [برای
ادای مناسک حج] آهنگ آن خانه کنند، [البته]
کسانی که [از جهت سلامت جسمی و توانمندی
مالی و باز بودن مسیر] بتوانند به سوی آن راه
یابند، و هر که ناسپاسی ورزد [و از رفتن به آنجا
خودداری کند، به خود زیان زده]؛ زیرا خدا از
جهانیان بی‌نیاز است. (آل عمران، ۹۷)

امر به معروف و نهی از منکر

برتری مسلمانان به جهت امر به معروف
و نهی از منکر

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ
تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ
الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ ءَامَنَ
أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ
مِّنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ
الْفَاسِقُونَ ﴿١١٠﴾

شما بهترین امتی هستید که [برای اصلاح
جوامع انسانی] پدیدار شده‌اید، به کار شایسته
فرمان می‌دهید و از کار ناپسند باز می‌دارید، و
[از روی تحقیق و معرفت و صدق و اخلاص]
به خدا ایمان می‌آورید. و اگر اهل کتاب ایمان
می‌آوردند قطعاً برای آنان بهتر بود؛ برخی از
آنان مؤمن [به قرآن و پیامبرند] و بیشترشان
بدکار و نافرمانند (آل عمران، ۱۱۰)

عواقب ترک امر به معروف و نهی از منکر

وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا
مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ
شَدِيدُ الْعِقَابِ



و از عذاب‌ی [که نتیجه گناهان گوناگون است] بپرهیزید، [عذاب‌ی] که فقط به ستمکاران از شما نمی‌رسد [بلکه وقتی نازل شود، همه را فرا می‌گیرد، ستمکاران را به خاطر ستم و اهل ایمان را به سبب اختلاف و نزاع و ترک امر به معروف و نهی از منکر] و بدانید که خدا سخت کیفر است (انفال، ۲۵)

ترک نهی از منکر؛

عامل فساد امت‌های پیشین

فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا
بَقِيَّةَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ
إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ
الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أَتَرَفُوا فِيهِ وَكَانُوا

مُجْرِمِينَ ﴿١١٦﴾

پس چرا در میان امت‌هایی که پیش از شما بودند، مصلحانی دلسوز نبودند که [مردم را] از فساد در زمین بازدارند؟ مگر اندکی که [به سبب بازداشتن مردم از فساد] نجاتشان دادیم. و آنان که ستم کردند، دنباله‌رو [و دل بسته] چیزی از نعمت و ثروت شدند [که در آن به طغیان افتادند] و آنان گنهکار بودند (هود، ۱۱۶)

ضرورت تشکیل گروه‌های امر به معروف و نهی از منکر

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ
وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ
وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٠٤﴾

و باید از شما گروهی باشند که [همه
مردم را] به سوی خیر [اتحاد، اتفاق،
الفت، برادری، مواسات و درستی] دعوت
نمایند، و به کار شایسته وادارند، و از کار
ناپسند بازدارند؛ یقیناً اینان رستگارانند
(آل عمران، ۱۰۴)

دعوت به تبلیغ عملی

أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ
وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٤٤﴾

آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خود را [در انجام دادن نیکی] فراموش می‌کنید؟ در حالی که کتاب [تورات را که با شدت به نیکی دعوتتان کرده] می‌خوانید. آیا [به وضع زیان‌بار خود] نمی‌اندیشید (بقره، ۴۴)

تولی

الف) ولایت خداوند بر مؤمنان

اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ
 الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا
 أُولَٰئِكَ لَهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ
 النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ ۗ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ
 النَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٥٧﴾

خدا سرپرست و یار کسانی است که ایمان
 آورده‌اند؛ آنان را از تاریکی‌ها [ی جهل،
 شرک، فسق و فجور] به سوی نور [ایمان،
 اخلاق حسنه و تقوا] بیرون می‌برد. و کسانی
 که کافر شدند، سرپرستان آنان طغیان‌گراند
 که آنان را از نور به سوی تاریکی‌ها بیرون
 می‌برند؛ آنان اهل آتش‌اند و قطعاً در آنجا
 جاودانه‌اند (بقره، ۲۵۷)

ب) ولایت پیامبر بر مؤمنان

النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا ﴿٦﴾

پیامبر، نسبت به مؤمنان از خودشان اولی و سزاوارتر است، و همسرانش مادران آنانند، و بر طبق کتاب خدا دارندگان قرابت نسبی [در میراث بردن] از یکدیگر از مؤمنان و مهاجران [که پیش از این بر پایه ایمان و هجرت میراث می‌بردند] سزاوارترند، مگر اینکه بخواهید [در وصیت کردن به پرداخت ارث] درباره دستانان احسان کنید که این امری ثبت شده در کتاب [خدا] است (احزاب، ۶)

ج) ولایت اهل بیت بر مؤمنان

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا
الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ
وَهُمْ رَاكِعُونَ ﴿٥٥﴾

سرپرست و دوست شما فقط خدا و رسول
اوست و مؤمنانی [مانند علی بن ابی طالب اند]
که همواره نماز را برپا می دارند و در
حالی که در رکوعند [به تهیدستان] زکات
می دهند (مائده، ۵۵)

د) ولایت مؤمنان نسبت به یکدیگر

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ
يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ
الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ
الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ
سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٧١﴾

مردان و زنان با ایمان دوست و یار یکدیگرند؛
همواره به کارهای شایسته فرمان می دهند و از
کارهای زشت و ناپسند باز می دارند، و نماز را
برپا می کنند، و زکات می پردازند، و از خدا و
پیامبرش اطاعت می نمایند؛ یقیناً خدا آنان را
مورد رحمت قرار می دهد؛ زیرا خدا توانای
شکست ناپذیر و حکیم است (توبه، ۷۱)

تَبَرَّى

الف) تأکید بر تبرّی از دشمنان

نهی از دوستی با کافران

إِنَّمَا يَنْهَكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَتَلُواكُمْ فِي الدِّينِ
وَأَخْرَجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ
إِخْرَاجِكُمْ أَن تَوَلَّوْهُمْ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ فَاُولَٰئِكَ هُمُ
الظَّالِمُونَ ﴿٩﴾

خدا فقط شما را از دوستی با کسانی نهی
می‌کند که در کار دین با شما جنگیدند، و
از دیارتان بیرون راندند، و در بیرون راندنتان
به یکدیگر کمک کردند تا [به خاطر این
سختگیری] با آنان دوستی کنید. و تنها
کسانی که با آنان دوستی کنند ستمکاراند
(ممتحنه، ۹)

مقدم داشتن ایمان بر همه روابط

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا
ءَابَاءَكُمْ وَءِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ
أَسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ
وَمَن يَتَوَلَّهُمْ مِّنْكُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ

الظَّالِمُونَ ﴿٢٣﴾

ای اهل ایمان! اگر پدرانتان و برادرانتان
کفر را بر ایمان ترجیح دهند، آنان
را دوستان و سرپرستان خود مگیرید؛
و کسانی از شما که آنان را دوست و
سرپرست خود گیرند، اینان هستند که
ستمکارند. (توبه، ۲۳)

